

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

فرستنده: حمید محوی
۲۶ جولای ۲۰۱۵

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۵ جولای ۲۰۱۵

فهرست:

صفحه ۱

سرمقاله: (۱) گاهنامه هنر و مبارزه به شکل قطعی در بلاگفا بسته شد.

(۲) «نقد معاصر: گفت و گو درباره مارکس و استعمار»

صفحه ۵

پارلمان هند: انگلستان باید برای گذشته استعماری خود غرامت بپردازد (اسپوتنیک ۲۴ جولای ۲۰۱۵)

صفحه ۹

نقد معاصر: گفت و گو درباره مارکس و استعمار

سرمقاله:

(۱) گاهنامه هنر و مبارزه به شکل قطعی در بلاگفا بسته شد

به اطلاع خوانندگان دائمی گاهنامه هنر و مبارزه می‌رسانم که به عنوان مدیر و نویسنده این نشریه اینترنتی وبلاگ گاهنامه هنر و مبارزه به انضمام تمام وبلاگ‌های موضوعی دیگر در بلاگفا را حذف کردم. البته به جز وبلاگ «کاربرد اورانیوم ضعیف شده در جنگ‌های معاصر». با توجه به مشکلات فنی بلاگفا و نتایج اسفناک و غیر قابل قبول آن در دوران پسا بازگشائی و به اصطلاح پسا رفع مشکل، به حذف کامل آنچه از وبلاگهایم باقی مانده بود اقدام کردم. با یادآوری این نکته که چند سال پیش از این بی آن که مشکل فنی در کار باشد، دو وبلاگ موضوعی، یکی برای کتاب استعمار در آسیا نوشته کارل مارکس و فردریش انگلس، و وبلاگ دیگری که به ترجمه ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک نوشته لوسین سو فیلسوف فرانسوی اختصاص داده بودم (حدود ۳۰ صفحه) — می‌خواستم به تدریج تمام کتاب را ترجمه و منتشر کنم — توسط خود بلاگفا به دلیل مجهولی حذف شد. با این وجود برای مقابله با تروریسم فرهنگی و رسانه‌ای اپوزیسیون‌های ایرانی پنتاگونی و افشای مدافعان حقوق بشر که کشورهای آتلانتیست را از انتقادات حقوق بشری معاف می‌دانستند و می‌دانند، و برای افشای ماهیت غیر دموکراتیک و ضد فرهنگی و ضد

آزادی و در نتیجه ضد هنری میان فرهنگی ایران و جهان و افشای سیاست های امپریالیستی در جهان از طریق نقد و بررسی و به همین گونه ترجمه مقالات منتشر شده در رسانه های آلترناتیو غربی (جیمز پتراس، نوآم چامسکی، سمیر امین، تی پری میسان، دومینیکو لوسوردو، مانلیو دینوچی، میشل شوسودوسکی، پی یر هیلار، میشل کولن، ژان میشل ورنوشه، فیدل کاسترو، روزنامه حزب کمونیست کانادا، و بسیاری دیگر از نویسندگان و روزنامه نگاران آزاد و سایت هائی که خارج از سیطره پیمان آتلانتیک شمالی فعال هستند جزء گزینش های من برای گاهنامه هنر و مبارزه بوده اند (...). به نشر چنین مطالبی در رسانه ها نیاز مبرمی احساس می کردم، به همین علت با وجود کار شکنی های بلاگفا و با وجود نبود امکان جست و جو در آرشیو موضوعی وبلاگ و در نتیجه عدم امکان دسترسی به مجموعه مقالات منتشر شده، در این وب گاه باقی ماندم. البته مجبور بودم از سایت های ایرانی نیز اجتناب کنم زیرا به عنوان ایرانی میهن دوست انحرافات در آنها می دیدم که برایم قابل تحمل نبود.

با این وجود دو سایت افغان همیشه یار و یاور گاهنامه هنر و مبارزه بودند و دائماً کارهایم را سخاوتمندانه منتشر کرده اند. طی تمام این سال ها، سرانجام دریافتم که اتفاقاً همین اپوزیسیون های پنتاگونی بوده اند که به یمن اختناق دستگاه دین اسلام و سرمایه گذاری های داخلی و خارجی (۴) به شکل گسترده در اذهان عمومی نفوذ کرده اند و جنبش که یکی از انقلاب های رنگی پنتاگونی بود را می توانیم گوشه ای از این نفوذ گسترده تلقی کنیم. البته همکاری های دستگاه دین اسلام که از آغاز تا امروز ضد بشری و در نتیجه ضد ایرانی بوده به همین یک مورد خلاصه نمی شود، بلکه اخیراً طی یک مبادله اطلاعاتی در پست الکترونیک، پی بردم که علاوه بر تمام ثروت هنگفتی که پهلوی چی ها حتی پیش از فروپاشی رژیم سلطنتی از ایران خارج کردند، اخیراً (۴) جمهوری اسلامی ایران مال و اموال مصادره شده آنان را نیز به آنها بازگردانده، یعنی ثروت هائی که در شرایط استعماری و نابرابر در مناسبات نابرابر و غالباً بزهداران رایج در عصر پهلوی برای یک عده فراهم آمده به صاحبانشان باز گردانده، مضافاً بر این که این ثروت ها الزاماً از کشور خارج می شود که پیامد آن تضعیف قدرت اقتصادی برای تمام کشور است.

البته ربودن ثروت ملی توسط خواص و بر باد دادن آنها در کشورهای خارجی در جمهوری اسلامی بسیار رایج بوده و ما اطلاعات دقیقی از آن نمی توانیم داشته باشیم ولی بهترین اطلاعات را افرادی مثل حسن عباسی ستراتیژ امام زمانی در اختیار دارند که همت عالی گاهی گذاری در سخنرانی هایشان چیزهائی را به زبان می آورند، و حتی می توانیم نتیجه بگیریم که پول های توقیف شده ایران نیز با همکاری و رضایت خود دولت ایران ممکن شده است. زیرا خیلی ساده، با آگاهی کامل از امکان توقیف اموال ایران می توانستند تولیدات نفتی ایران را بفروشند...

اگر به موضوع اصلی باز گردم، می توانم بگویم که در نتیجه، ادامه کار تحت چنین شرایطی را در بلاگفا به هیچ عنوان قابل قبول نمی دانستم و نمی دانم، سر نخ باید جایی در کانادا یعنی کشوری که سرمایه گذاری هائی برای ایرانیان صورت داده و همانجائی که افرادی مثل عطا هودشیان ها در مورد مزایا و محاسن لیبرالیسم در یوتوب سخنرانی می کنند و درس می دهند... به قول یکی از دوستان کمونیست این سرمایه است که تصمیم می گیرد و «همه چیز به ضرورت های سرمایه باز می گردد...» بی گمان احتمالاً نقص فنی برای یک وبگاه رایگان، که حتی پیش از بروز نقص اساسی در سطح سخت افزاری، نقایص دیگری نیز داشته که از جمله موجب محدودیت جست و جوی کاربران در مجموعه نوشته های منتشر شده می شد ...

همین نقایص فنی کوچک و بزرگ یکی از نتایج طبیعی وضعیت عمومی برای ایران است. واقعیت احتمالاً این است که رسانه ها تحت نظارت و محدودیت قرار گیرند... نتیجه را باید دید. نتیجه عملاً کدام است؟ فقط مصباح یزدی ها و یا اپوزیسیون های پنتاگونی مثل فرهنگ قاسمی ها و عطا هودشیان ها...

حذف گاهنامه هنر و مبارزه که در زمان حیاتش در بلاگفا به اندازه کافی از انزوا برخوردار بود و وبلاگ های موضوعی دیگر یعنی تخریب تقریباً بیش از ۸ سال کار شبانه روزی و بیش از ۹۵۰ مقاله و حتی کتاب نوشته و یا ترجمه شده که برخی از آنها پرونده های بی بدیلی درباره رویدادهای معاصر را تشکیل می دهند، یعنی حضور قطبی در آنسوی قطب اپوزیسیون های پنتاگونی...

البته من در فرانسه زندگی می کنم و چنین محدودیتی برای کارنوشتاری و انتشار آنها در فرانسه – پاریس روی داده است. و این وضعیت جغرافیائی برای گاهنامه هنر و مبارزه باید معنی خاصی داشته باشد که تنها به اختناق حاکم در ایران قابل تقلیل نیست: مجاهدین خلق ها، رضا پهلوی ها، رضا قاسمی ها، فرهنگ قاسمی ها، عطا هودشتیان ها، رامین جهان بگلو ها، کیا رستمی ها، مخملباف ها، پستانهای گلشسته ها و شوخ طبعی های مرجان ساتراپی ها و رمان لولیتا در تهران از آثار آذر نفیسی ها، گلی ترقی ها، بهرام مشیری ها با گوشه کنایه های ضد کمونیستی و تبلیغ برای سیستم امریکائی به عنوان نجات بخش بشریت، شیخ یوسف بنی طرف ها سلطان خجالتی عربستان اهواز در انگلستان، مصباح یزدی ها که به مردم می گوید «اصلاً اقتصاد چه ربطی به شما دارد، مگه شما اقتصاد دان هستید؟»، تروریست ها، تجزیه طلبان، خود مختاری خواهان، فدرال طلب ها، بهائی ها، مسیحی ها، مسلمانان، یهودی ها حتی، مجله تایمز، شیخ الاسلام لنگرودی، تیمور لنگ و شبپور منگ... و فهرست طولانی خواهد بود ولی نه به ابعاد توده هائی که گاهنامه هنر و مبارزه از جنس آنهاست ... اینها هیچ مشکلی برای انتشار کارهایشان را ندارند.

چنین سرنوشتی برای فعالیت های نوشتاری ام را در ادامه همان سیاستی می بینم که پژوهش دانشگاهی ام را در دانشگاه فرانسوی با اعمال خشونت و توطئه چینی تخریب کرد. این همان سیاستی است که در سال ۲۰۱۲ در فرانسه برای «دوستان سوریه» گردهمائی تشکیل می دهد و فردی را که سر ۱۵۰ نفر را بریده به عنوان نجات بخش و دموکرات و مخالف بشار اسد دیکتاتور در کنار فرانسوا هولاند در پودیوم می نشاند. همانگونه که پس از اخراج خشونت بار دانشجویان واقعی ایرانی از دانشگاه ها، فرانسه مجاهدین خلق را دانشجوی معرفی کرد گویا که یک عده مزاحم مجاهدین خلق و جلسات مدافعان حقوق بشر و سلطنت طلبان در دانشگاه های فرانسه بودند و می بایستی از طریق دستگاه دولتی نیز حذف می شدند...

حالا روزنامه نگاران رادیو بین المللی فرانسه بخش فارسی می توانند بگویند این نوع مسائل به ما مربوط نمی شود ... این نوع خشونت های رایج و تروریستی اپوزیسیون های ایرانی در جبهه ناتوی فرهنگی و دم و دستگاه های پنتاگونی لیبرالی خارج از کشوری و سیاست های امپریالیستی و به همین گونه بهیمیت دین ضد بشری اسلام و نتایج چرخ زدن به دور یک شهاب آسمانی و تصور این که از آسمان پیغامی برای بشریت رسیده است... چیزهائی نیستند که به فراموشی سپرده شوند، البته باید از آنها عبور کنیم تا مبارزه برای آینده ای روشنتر و انسانی تر ادامه یابد. با آگاهی به این واقعیت ساده که بسیاری توان عبور را نمی یابند — یا نه به تمامی و حتی شاید اندکی — و زیر چرخ دنده های این سیستم سوداگر و بیمار از دیدگاه روانی تلف می شوند، یا مستقیماً در انفجار بمب های نوترونی عادی و رایج در جنگ های معاصر به خاموشی می گرایند و یا به انحراف می روند...

این همان سیاستی است که بمب های اتمی تاکتیک و نسل برانداز را به عنوان مداخله بشر دوستانه معرفی می کند و شما باور می کنید. البته ما ایرانی ها خاصه آدم های خطرناکی هستیم، خودمان برای خودمان خطرناک هستیم، ما اساساً در جامعه بسیار خطرناکی مثل جامعه ایرانی زندگی می کنیم یعنی جامعه ای که مطلقاً با خلاقیت و آفرینش ها و آزادی های فردی و تولید... خصومت آشتی ناپذیری دارد. یعنی تمام خصوصیات طبقه بورژوازی کمپرادور ایران به علاوه تمام ترکش های مهلک قرن ها حاکمیت ضد بشری دستگاه دین موهومی اسلام. و هوشیار باشیم زیرا لیبرال ها نیز از آزادی فردی حرف می زنند، بد بختانه افراد بی اطلاع و جوان های خام خیلی زود در دام می افتند، بی آن که بدانند که

منظور لیبرال ها آزادی برای همه نیست، بلکه آزادی از دیدگاه آنها تنها برای یک طبقه خاص است. به همین علت تبلیغات چی هائی مثل عطا هودشیان صراحتاً در یکی از ویدئوهایش در یوتوب می گوید «همه در برابر قانون مساوی هستند ولی نه در اقتصاد». یعنی تقریباً مثل بازی یورو میلیون که ده ها میلیون نفر بازی می کنند، ولی تنها یک نفر برنده می شود. گرچه در همین بازی هم همه مساوی نیستند، برخی با سرمایه بیشتری بازی می کنند و شانس بردنشان خیلی بیشتر است.

شما وقتی خانه ای از آن خودتان ندارید، از مهمترین آزادی ها محروم می شوید، با آگاهی به این امر که در نظام سرمایه داری تقریباً از ده نفر تنها یک نفر می تواند صاحب خانه باشد. در سیستم دموکراسی گزینشی یا نیابتی در انتخابات در بهترین حالت لیبرالیسم می تواند ده درصد رأی بیاورد که از ثروتمندترین ها تشکیل شده. در فرانسه تقریباً تمام پزشکان و روانکاوان ناگهان به شکل متناقضی (با هزار پشتک و وارو) طرفدار حذف بیمه های درمانی می شوند، همه دست راستی از آب در می آیند. بخشی از داروها و معالجات پوشش اجتماعی ندارد، به ساکنان خانه های اجتماعی به چشم تحقیر نگاه می کنند. در نتیجه بی دلیل نیست که لیبرال ها و مافیائی ها هر دو در تضعیف دولت با یک دیگر هم پیمان می شوند یا خواهی و نخواهی هم پیمان هستند. با این وجود یک عده با لباس مرتب و کراوات و با زبانی چرب و نرم بشقاب خالی شما را به شکلی می خواهند تعریف کنند که گوئی نه تنها بشقاب شما خالی نیست، بلکه بی آن که بدانید غذایتان را خورده اید و حتی یخچال شما پر است از غذاهای گوناگون، و حساب بانکی شما هم آزاد است که میلیون ها دالر یا یورو در آن بریزید، تنها همین مانده که شما دیدگاهتان را تغییر دهید، تفکرتان را اصلاح کنید. این نگرش همان نگرش امام خمینی یعنی همان نگرش دین اسلام است که فقر و ثروت را از تجلیات خواست خدا می داند، و فقر و حتی بی آبی را نیز با ارتکاب به گناه تعریف می کند، یعنی همان موضوع تغییر دیدگاه...روانکاوها و روانشناسان نیز از همین نظریات الهام می گیرند: تغییر دیدگاه...و باید دانست که همین دار و دسته ها با نیروهای انتظامی و سرکوب مناسبات بسیار نزدیک و ستراتیژیک دارند.